

ارتباط سرمایه‌های روان‌شناختی و فرهنگی با خشونت خانگی در زنان متأهل (مورد مطالعه: فرهنگیان بهبهان)

ناهید مفردنژاد^{*۱}

مرتضی منادی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی روابط سرمایه روان‌شناختی و سرمایه فرهنگی با خشونت خانگی علیه زنان در زنان متأهل بود. این پژوهش یک مطالعه مقطعی از نوع همبستگی و نمونه آماری آن ۱۵۶ زن متأهل بود که از بین جامعه کارمندان زن متأهل و شاغل در آموزش و پرورش شهرستان بهبهان با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده گزینش شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی (PCQ)، سرمایه فرهنگی (CCQ) و پرسشنامه خشونت خانگی بودند و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و کانی انجام شد. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی و سرمایه فرهنگی پیش‌بین‌های منفی خشونت خانگی علیه زنان بودند. نتایج تحلیل همبستگی کانی نشان داد که چهار متغیر بنیادی برای درک روابط بین مجموعه متغیرهای ملاک و پیش‌بین مورد نیاز است و هر چهار بعد از خرده مقیاس‌هایی از مجموعه پیش‌بین و ملاک تشکیل شده‌اند. ضرایب بنیادی برای چهار بعد اول به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۶۴، ۰/۵۸ و ۰/۳۱ به دست آمد. کمبود سرمایه‌های روان‌شناختی و فرهنگی با دریافت خشونت خانگی بیشتر در زنان همبسته است، از این رو برنامه‌های آموزشی برای ارتقای این مهارت‌ها در زنان متأهل پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه روان‌شناختی، سرمایه فرهنگی، خشونت خانگی، زنان متأهل

^۱. دانشجوی دکترا، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران. (E mail: nmofradnejad@gmail.com)

^۲. دانشیار، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران. (E mail: MortezaMonadi@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۲

DOI: 10.22051/jwfs.2020.19716.1707



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مقدمه و بیان مسئله

جامعه سالم از خانواده سالم تشکیل می‌شود و هنگامی که کانون خانواده دربرگیرنده محیط سالم و سازنده و روابط گرم و تعامل بین فردی صمیمی باشد، می‌تواند موجبات رشد و پیشرفت اعضای جامعه شود (ذبیحی ولی‌آباد و همکاران، ۱۳۹۶). درحالی که زوجین ممکن است درگیر روابط آسیب‌زایی نظیر تعارضات شدید یا خشونت شوند که سلامت روانی خانواده و روابط بین اعضای آن را دچار مشکلات جدی کند (مفردنژاد، ۱۳۹۴). خشونت عبارت است از یک الگوی رفتاری که از طریق توسل به ایجاد ترس، تهدید و رفتار آزاردهنده به منظور اعمال قدرت و کنترل بر فرد دیگری تحمیل می‌شود (اوشی، کالینز، ایلیز و دالی^۱، ۲۰۱۶). شایع‌ترین نوع خشونت در خانواده، خشونت خانگی^۲ است که با عناوین خشونت علیه زنان یا خشونت توسط شریک نزدیک نیز از آن یاد می‌شود و طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی^۳ (۲۰۱۶)، به معنای رفتار خشونت‌آمیز و سلطه‌گرانه یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده است که گستره آن می‌تواند آزارهای کلامی، روانی، عاطفی، اقتصادی، جسمی، جنسی و حتی مرگ باشد. معمولاً زنان نخستین قربانیان خشونت خانگی هستند (لیهیم^۴، ۲۰۱۶).

تحقیقاتی که برای تعیین میزان شیوع و نوع خشونت خانگی در نیجریه انجام شد، نشان می‌دهد که ۸۱ درصد از زنان از آزار و اذیت کلامی و سوءاستفاده فیزیکی رنج می‌برند و ۴۶ درصد این زنان وقتی که مادرانشان مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفتند شاهد

^۱ Oshea, Collins, ilis & Daly

^۲ domestic violence

^۳ World Health Organization (WHO)

^۴ Leaheem

بودند (اودوجینرین^۱، ۲۰۱۳). میزان شیوع خشونت خانگی در تایوان ۷۱/۳ درصد (چانگ، لین و لیو^۲، ۲۰۱۷)، در هندوستان ۲۲ تا ۶۰ درصد و در آلبانی ۴۰ تا ۸۰ درصد گزارش شده است (به نقل از شمس اسفند آباد و امامی پور، ۲۰۰۵). اگرچه در آمارهای رسمی ایران، به آمار خشونت خانگی اشاره‌ای نشده است، پژوهش‌ها نشان‌گر دامنه گسترده‌ای از خشونت علیه زنان است. درخشان پور، محبوبی و کشاورزی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای در شهر بندرعباس شیوع خشونت روانی علیه زنان را ۵۴٪ و خشونت کلامی، فیزیکی و جنسی را به ترتیب ۳۱٪، ۲۸٪ و ۶/۸٪ گزارش داده‌اند. سرایلو و همکاران (۱۳۹۵) در تهران شیوع خشونت علیه زنان باردار را ۴۶٪ اعلام کرد و نوح جاه و همکاران (۱۳۹۰) در خوزستان نیز این رقم را برای خشونت فیزیکی، روانی و جنسی به ترتیب ۲۰/۲٪، ۴۱٪ و ۱۰/۹٪ اعلام کردند.

در بررسی علل وقوع پدیده خشونت خانگی دلایل متعددی مورد بحث و توجه قرار گرفته است از جمله کمبود مهارت‌های ارتباطی در بین زوجین (کرامتی و سپهری شاملو، ۱۳۹۵؛ ویلیامسون، آلتمن، هسو و بردبوری^۳، ۲۰۱۶)، عوامل مرتبط با ویژگی‌های فردی مانند مصرف الکل، سیگار و مواد مخدر (درخشان پور، محبوبی و کشاورزی، ۱۳۹۳)، نگرش منفی مردان نسبت به زنان (جلالی و رهبریان، ۱۳۸۵)، بیماری روانی یا جسمانی زن (کوکر، دیویس و آریاس^۴، ۲۰۰۴؛ خان و همکاران^۵، ۲۰۱۲)، عوامل مؤثر در رابطه با ویژگی‌های خانوادگی مانند تعدد زوجات مرد، تضاد علایق زن و مرد، اقتدار مرد در خانواده، چگونگی ازدواج و دخالت اطرافیان (صابریان و

^۱- Odujinrin

^۲- Chang, Lin & Liu

^۳- Williamson, Altman, Hsueh & Bradbury

^۴- Coker, Davis & Arias

^۵- Khan et al



همکاران، ۱۳۸۴)، عوامل مؤثر در رابطه با محیط و طبقه اجتماعی، فقر، بیکاری و مسکن نامناسب (رسولیان و همکاران، ۲۰۱۴) و ... نکته‌ای که با وجود تمام عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی باید به آن توجه داشت این است که بعضی از متغیرهای فوق‌الذکر توسط مردان و زنان بسیاری تجربه می‌شوند، بنابراین علت رفتارهای خشونت‌آمیز بعضی افراد در محیط خانواده چیست؟ به نظر می‌رسد علاوه بر متغیرهای فوق باید در جستجوی متغیرهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی دیگری باشیم که در تعامل با عوامل ذکر شده می‌تواند بر شیوع و گستره خشونت علیه زنان نقش داشته باشد. یکی از این عوامل سرمایه روان‌شناختی^۱ هر فرد است.

سرمایه روان‌شناختی مفهوم جدیدی در حیطه مطالعات روان‌شناسی مثبت نگر است که اولین بار توسط لوتانز^۲ (۲۰۰۲، به نقل از لوتانز و یوسف-مورگان^۳، ۲۰۱۷) مطرح شد و شامل مجموعه‌ای از صفات و توانمندی‌های مثبت فرد می‌باشد و مانند منبعی قوی در رشد و ارتقا فرد نقش دارد. سرمایه روان‌شناختی شامل درک شخص از خودش، داشتن هدف برای رسیدن به موفقیت و پایداری در برابر مشکلات تعریف می‌شود. امیدواری^۴، خوش‌بینی^۵، خودکارآمدی^۶ و تاب‌آوری^۷ مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی هستند. سرمایه روان‌شناختی یک حالت روان‌شناسی مثبت با مشخصه‌های متعهد شدن و انجام تلاش لازم برای موفقیت در کارها و تکالیف چالش‌برانگیز (خودکارآمدی)، داشتن اسناد مثبت درباره موفقیت‌های حال و آینده (خوش‌بینی)، پایداری در راه رسیدن به هدف و در صورت لزوم تغییر مسیر رسیدن به هدف برای دستیابی به موفقیت

^۱- psychological capital

^۲- Luthans

^۳- Yousef-Morgan

^۴- hope

^۵- optimistic

^۶- self-efficacy

^۷- resiliency

(امیدواری) و پایداری هنگام مواجهه با سختی‌ها و مشکلات برای دستیابی به موفقیت (تاب‌آوری) است (ولومبوا، لوتانز، اوی و اوکه^۱، ۲۰۱۱).

سرمایه روان‌شناختی ابتدا در حیطه‌ی پژوهش‌های روانشناسی سازمانی و شغلی مطرح شد اما نتایج پژوهش‌های جدید حاکی از تأثیر این سازه در سلامت خانواده و روابط زوجین است به‌طوری‌که کاراتپه و طالب زاده^۲ (۲۰۱۶)، نشان دادند که میزان سرمایه‌های روان‌شناختی تعیین‌کننده توانایی زنان برای مقابله با شرایط دشوار است و بر اساس سنجش سرمایه‌های روان‌شناختی می‌توان آمادگی زنان را برای مقابله با شرایط بحرانی حدس زد. نتایج پژوهش اوشی و همکاران (۲۰۱۶)، رابرتز، چامبرلین و دلفابرو^۳ (۲۰۱۵) و کرامتی و سپهری شاملو (۱۳۹۵) نیز نشان داد که سرمایه‌های روان‌شناختی در زنان قربانی خشونت خانگی (مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده) در مؤلفه‌های چهارگانه آن پایین است و این مسأله تأثیر متقابلی بر دریافت خشونت دارد چرا که افراد با توانایی روانی پایین و فقدان توانایی حل مسأله بیشتر قربانی خشونت می‌شوند. در همین راستا تقدیسی و همکاران (۲۰۱۵) و آلن و سولومون (۲۰۱۲) نیز نشان دادند که خود کارآمدی بالا در زنان به میزان بیشتری از خشونت خانگی جلوگیری می‌کند.

از دیگر متغیرهای اثرگذار بر خشونت خانگی علیه زنان بهره‌مندی از انواع سرمایه‌های موردبحث جامعه‌شناس فرانسوی پی یر بوردیو^۴ است. بوردیو سه نوع سرمایه را برای انسان برمی‌شمارد. سرمایه اقتصادی^۵ مانند حقوق و مالکیت، سرمایه

^۱ Walumbwa, Luthans, Avey & Oke

^۲ Karatepe & Talebzadeh

^۳ Roberts, Chamberlain & Delfabbro

^۴ Pierre Bourdieu

^۵ economical capital



اجتماعی^۱ یعنی پیوندها و ارتباطات و سرمایه فرهنگی^۲. بورديو به نقل از منادی (۱۳۸۶) معتقد است که سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل وجود داشته باشد. الف) سرمایه فرهنگی درونی شده (تجسم‌یافته، عادتواره) که بیانگر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند. ب) سرمایه فرهنگی عینی از جمله کالاهای فرهنگی و اشیای مادی و ج) سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده مانند صلاحیت‌های تحصیلی. بر اساس اندیشه‌ی بورديو، عادتواره و به تبع آن‌ها، سرمایه‌های فرهنگی انسان نظم‌دهنده و هدایت‌کننده رفتار و اعمال اوست (شکری و منادی، ۱۳۹۲). همچنین در رفتار و افکار و معرفی انسان در جامعه مؤثرتر از دیگر سرمایه‌هاست (منادی، ۱۳۸۵). در اختیار داشتن یا نداشتن اشکال متفاوت سرمایه و به‌خصوص سرمایه فرهنگی به شکل‌گیری ذائقه و عادتواره‌ای منجر می‌گردد و افراد بر پایه‌ی تملک انواع سرمایه، عادتواره‌ها و الگوهای رفتاری ویژه‌ای را برای خود در پیش می‌گیرند. در ارتباط با خشونت خانگی نیز می‌توان گفت که نحوه‌ی دسترسی به انواع سرمایه به شکل‌گیری خلق‌و‌خوی رفتاری ویژه‌ای در موقعیت‌های خشونت‌آمیز می‌انجامد که به‌نوبه‌ی خود در کنش اجتماعی خشونت‌آمیز افراد تجلی می‌یابد و لذا روابط خانوادگی فرد نیز تحت تأثیر برخورداری از انواع سرمایه و به‌خصوص سرمایه فرهنگی شکل می‌گیرد (احمدی، ۱۳۹۴).

درزمینه‌ی برخورداری از سرمایه فرهنگی، افرادی که از تحصیلات پایین‌تری برخوردارند، از کالاهای فرهنگی کمتری استفاده می‌کنند و ترجیحات زیبایی‌شناسانه متفاوتی با گروهی دارند که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردارند و چنین تفاوت‌هایی می‌تواند روابط زناشویی این دو گروه را تحت تأثیر قرار دهد. در غالب پژوهش‌های انجام‌شده درزمینه‌ی خشونت خانگی با تمرکز بر جامعه آماری مردان، چنین نتیجه‌گیری

^۱- social capital

^۲- cultural capital

شده است که مردانی که از سرمایه فرهنگی پایین‌تری برخوردار هستند بیشتر به خشونت‌های خانگی چون خشونت روانی، جنسی و فیزیکی دست می‌زنند و بالعکس (کنعانی، عزیزخانی و کلانتری، ۱۳۹۲؛ سفیری، آراسته و موسوی، ۱۳۸۹) یا بر روی یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی یعنی تحصیلات (سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده) و رابطه‌ی آن با خشونت در درون خانواده پژوهش‌هایی صورت گرفته است (آقاخانی و همکاران، ۱۳۹۱).

هم‌راستا با پژوهش‌های ذکرشده، پژوهش حاضر با تمرکز بر نمونه آماری زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش در پی بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی زنان و خشونت خانگی علیه آنان است. علت انتخاب این نمونه خاص، علاوه بر توجه به تأمین امنیت جسمی، عاطفی و روانی زنان که از عوامل مهم در ثبات و پایداری خانواده محسوب می‌شود، اثرگذاری بیشتر آن‌ها بر نسل آینده و تعلیم و پرورش زنان آینده این سرزمین است. زنان فرهنگی، در راستای آموزش رسمی، با آموزش غیررسمی به‌عنوان انتقال‌دهنده‌های بسیاری از سنت‌ها و آموزه‌های فرهنگی و اجتماعی عمل می‌کنند و چنین به نظر می‌رسد که هرچه سرمایه‌های فرهنگی و روان‌شناختی آن‌ها بیشتر باشد، خشونت مردان علیه آنان کمتر است.

از سویی دیگر خشونت خانگی یک موضوع مهم سلامت عمومی است که با بسیاری از بیماری‌های روحی-روانی از جمله اضطراب، افسردگی، اختلال استرس پس از سانحه، اختلالات خوردن و اختلالات سایکوتیک پیوند خورده است. مطالعات نشان داده است که رابطه دوسویه‌ای بین خشونت خانگی علیه زنان و ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی در آن‌ها وجود دارد (اورام و همکاران^۱، ۲۰۱۳)، لذا به دلیل ماهیت جدی

^۱ - Oram et al



خشونت خانگی علیه زنان و آسیب‌های جسمی و روانی مرتبط با آن، هدف این پژوهش بررسی میزان و چگونگی ارتباط مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی و سرمایه فرهنگی با خشونت خانگی علیه زنان است به امید اینکه این‌گونه پژوهش‌ها با شناسایی عوامل اثرگذار بر این پدیده بتواند به ایجاد و تدوین طرح جامعی برای پیشگیری از خشونت علیه زنان منجر شود.

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود و به پیش‌بینی خشونت خانگی علیه زنان بر اساس متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و سرمایه فرهنگی در کارمندان زن متأهل آموزش و پرورش شهر بهبهان می‌پردازد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی کارمندان زن تاهل آموزش و پرورش شهرستان بهبهان در نیمه دوم سال ۱۳۹۶ بود که از بین این جامعه آماری بعد از مراجعه به آموزش و پرورش ناحیه و دریافت لیست معلمان سطوح متوسطه اول و دوم تعداد ۱۵۶ نفر به شیوه تصادفی ساده بر اساس قرعه‌کشی انتخاب شده و ابزارهای پژوهش را کامل نمودند. میانگین طول مدت ازدواج در نمونه مورد بررسی ۶ سال و میانگین سنی آن‌ها ۳۰/۴ سال بود. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های سرمایه روان‌شناختی^۱، سرمایه فرهنگی^۲ و پرسشنامه همسر آزاری^۳ استفاده شد.

پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی: این پرسشنامه توسط لوتانز، یوسف مورگان و اولیو^۴ (۲۰۰۷) تهیه شده است و شامل ۲۴ سؤال و ۴ خرده مقیاس می‌باشد. هر خرده

^۱- Psychological Capital Questionnaire

^۲- cultural Capital Questionnaire

^۳- Spouse Abuse Questionnaire

^۴- Avolio

مقیاس شامل ۶ سؤال است و آزمودنی به هر سؤال در مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم پاسخ می‌دهد. برای به دست آوردن نمره سرمایه روان‌شناختی ابتدا نمره هر خرده مقیاس به‌طور جداگانه به دست آمد و سپس مجموع آن‌ها به‌عنوان نمره کل سرمایه روان‌شناختی محسوب می‌شود. مقادیر آلفای کرونباخ برای محاسبه ضرایب پایایی پرسشنامه برای ابعاد امید، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۷۶، ۰/۷۷ و ۰/۶۹ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۵ به دست آمده است (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷). در پژوهش حاضر نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها و کل مقیاس به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۸۱، ۰/۶۹، ۰/۸۸ و ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسشنامه سرمایه فرهنگی: این پرسشنامه بر اساس دیدگاه بوردیو در تقسیم‌بندی انواع سرمایه توسط فیروز جایبان و گرامی (۱۳۹۳)، تهیه شده است. پرسشنامه ۲۲ گویه دارد و سه زیر مقیاس سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه فرهنگی عینی و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده را مورد سنجش قرار می‌دهد. پاسخ‌های آزمودنی در طیف لیکرت ۵ تایی از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف قرار می‌گیرد فیروز جایبان و گرامی (۱۳۹۳)، روایی پرسشنامه را با روش روایی محتوایی و استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور، تأیید کرده است و پایایی آن را نیز برای کل پرسشنامه با آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، عینی، نهادینه‌شده و کل مقیاس به ترتیب ۰/۶۵، ۰/۶۲، ۰/۷۶ و ۰/۶۴ به دست آمد.

پرسشنامه خشونت خانگی: این پرسشنامه شامل ۳۲ ماده و ۴ عامل است. عامل اول، دربرگیرنده خشونت روانی، عامل دوم، خشونت فیزیکی؛ عامل سوم و چهارم به



ترتیب خشونت جنسی و اقتصادی هست. پاسخ سؤالات بر اساس معیار لیکرت به ۵ دسته (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، اغلب و همیشه) تقسیم‌بندی می‌شود. این پرسشنامه توسط خاقانی فرد و خسروی (۱۳۸۳) تهیه و هنجاریابی شده است که ضریب پایایی درونی در یک نمونه ۶۰ نفری ۰/۹۷ به دست آمده است. عباس زاده، سعادت و دلیرهروی (۱۳۹۱) برای ارزیابی اعتبار این پرسشنامه از اعتبار محتوایی استفاده کردند. بدین معنی که برای ارزیابی اعتبار ابزار اندازه‌گیری از نظر اساتید و متخصصان برای بررسی فضای مفهومی استفاده و روایی آن مورد تأیید قرار دادند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ در مجموع ابعاد خشونت ۰/۸۰ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بالای پرسشنامه است.

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار متغیرهای سرمایه روان‌شناختی، سرمایه فرهنگی، خشونت خانگی (همسر آزاری) و مؤلفه‌های آن‌ها به همراه ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و سرمایه فرهنگی با خشونت خانگی در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و سرمایه فرهنگی با خشونت خانگی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (p)
امید	۵۰/۲۰	۶/۲۹	۰-/۵۵	۰/۰۰۱
تاب‌آوری	۳۹/۳۸	۴/۵۹	-۰/۲۷	۰/۰۰۱
خوش‌بینی	۴۰/۳۰	۴/۵۹	-۰/۳۴	۰/۰۰۱

۰/۰۰۱	-۰/۶۶	۵/۸۵	۴۵/۳۴	خودکارآمدی
۰/۰۰۱	-۰/۵۸	۱۴/۸۹	۱۷۵/۲۲	کل سرمایه روان‌شناختی
۰/۰۰۱	-۰/۳۸	۸/۰۹	۴۵/۸۳	سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته
۰/۰۰۱	-۰/۲۷	۸/۴۱	۴۴/۶۷	سرمایه فرهنگی عینی
۰/۰۰۱	-۰/۴۶	۹/۹۶	۴۴/۷۵	سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده
۰/۰۰۱	-۰/۳۳	۱۵/۸۵	۱۳۵/۲۵	کل سرمایه فرهنگی خشونت خانگی
		۸/۲۶	۶۸/۵۲	روانی
		۵/۸۵	۳۲/۱۱	خشونت خانگی فیزیکی
		۹/۳۷	۵۲/۴۰	خشونت خانگی جنسی
		۵/۹۹	۵۳/۹۶	خشونت خانگی اقتصادی
		۲۱/۸۳	۲۰۶/۹۹	کل خشونت خانگی

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین سرمایه روان‌شناختی و خرده‌مقیاس‌های آن با خشونت خانگی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. نتیجه‌های به‌دست‌آمده برای سرمایه فرهنگی و خرده‌مقیاس‌های سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه فرهنگی عینی و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده نیز حاکی از رابطه منفی معنی‌داری با خشونت خانگی است. برای بررسی فرضیه پژوهش از روش همبستگی بنیادی استفاده شده است. همبستگی بنیادی برای پیش‌بینی مجموعه‌ای از متغیرهای ملاک از روی مجموعه‌ای از

متغیرهای پیش‌بین به کار برده می‌شود که نتایج آن در جداول ۲ و ۳ و ۴ آورده شده است. جدول ۲ ابعاد آزمون‌های بنیادی برای مجموعه متغیرهای پیش‌بین (امید، تاب‌آوری، خوش‌بینی، خود کارآمدی، سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه فرهنگی عینی و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده) و مجموعه متغیرهای ملاک (خشونت خانگی روانی، خشونت خانگی فیزیکی، خشونت خانگی جنسی و خشونت خانگی اقتصادی) را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ابعاد آزمون‌های بنیادی برای مجموعه متغیرهای پیش‌بین و ملاک

ابعاد	همبستگی بنیادی	نسبت F	Df ₁	Df ₂	احتمال
۱	۰/۸۷۲	۹/۶۷	۵۴	۹۹۸/۹۰	۰/۰۰۱
۲	۰/۶۴۱	۴/۳۰	۴۰	۸۶۷/۱۴	۰/۰۰۱
۳	۰/۵۸۳	۲/۸۵	۲۸	۷۱۱/۷۲	۰/۰۰۱
۴	۰/۳۰۲	۱/۷۴	۱۸	۵۶۰/۵۲	۰/۰۱۳
۵	۰/۲۰۴	۱/۱۷	۱۰	۳۹۸	۰/۳۱۷
۶	۰/۱۲۲	۰/۷۵۸	۴	۲۰۰	۰/۵۵۴

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نتیجه تحلیل متغیرهای بنیادی برای تعیین تعداد ابعاد لازم برای بررسی ارتباط بین دو مجموعه متغیرها نشان داده شده است. بر اساس نتیجه‌های به‌دست‌آمده، تعداد ابعاد بنیادی ۶ بعد است. بنابراین با توجه به ضرایب به‌دست‌آمده، ۴ بعد بنیادی از نظر آماری معنادار است که این چهار بعد برای درک چگونگی ارتباط مجموعه متغیرهای پیش‌بین و ملاک موردنیاز است. همبستگی‌های بنیادی نیز در جدول ۲ مشاهده می‌شوند. هر همبستگی بنیادی عبارت است از اندازه درجه رابطه خطی بین دو بعد که هر بعد توسط هر یک از مجموعه متغیرها اندازه‌گیری می‌شود. با توجه به ضرایب به‌دست‌آمده برای بعد ۱ ضریب بنیادی ۰/۸۷۲ به‌دست‌آمده است. همچنین ضریب بنیادی برای ابعاد ۲ و ۳ و ۴ به ترتیب

۰/۶۴۱ و ۰/۵۸۳ و ۰/۳۰۲ به دست آمد که از لحاظ آماری معنی دار بودند؛ اما برای بعد ۵ و ۶ ضرایب بنیادی معنادار نیستند. جدول ۳ ضرایب‌های استاندارد شده بنیادی برای هر ۴ بعد، در مجموعه متغیرهای پیش‌بین سرمایه روان‌شناختی و سرمایه فرهنگی را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضرایب‌های بنیادی استاندارد شده خرده مقیاس‌های سرمایه روان‌شناختی و سرمایه

فرهنگی

ضریب استاندارد				متغیرها	
بعد ۴	بعد ۳	بعد ۲	بعد ۱	مؤلفه‌ها	مستقل
۱/۳۲۱	-۰/۰۷۲	-۰/۲۸۴	-۰/۱۳۹	امید	سرمایه روان‌شناختی
-۰/۲۴۵	۰/۰۱۸	۰/۴۷۸	-۰/۱۱۵	تاب‌آوری	
۰/۲۶۵	۰/۱۳۶	۰/۵۳۶	۰/۳۱۶	خوش‌بینی	
۰/۶۹۸	۰/۶۷۹	۰/۲۱۵	۰/۴۴۳	خودکارآمدی	سرمایه فرهنگی
۰/۴۴۳	۰/۵۲۴	۰/۷۷۶	-۰/۲۳۶	سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته	
-۰/۲۴۵	۰/۰۱۸	۰/۴۷۸	-۰/۱۱۵	سرمایه فرهنگی عینی	
-۰/۱۵۶	۰/۴۷۸	-۰/۲۰۵	۰/۲۳۸	سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده	

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، برای متغیرهای سرمایه روان‌شناختی، در بعد اول متغیرهای خود کارآمدی و خوش‌بینی به ترتیب (۰/۴۴۳) و (۰/۵۳۶) تعیین‌کننده بوده است. در بعد سوم متغیر خود کارآمدی (۰/۶۷۹) و در بعد چهارم خرده مقیاس‌های امید و خود کارآمدی به ترتیب (۱/۳۲۱) و (۰/۶۹۸) تعیین‌کننده بوده است. برای خرده مقیاس‌های سرمایه فرهنگی، در بعد اول خرده مقیاس‌های سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده و سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته به ترتیب (-۰/۲۳۶) و (۰/۲۳۶) تعیین‌کننده بودند. در بعد دوم خرده مقیاس سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (۰/۷۷۶)، در بعد سوم خرده مقیاس‌های سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و نهادینه‌شده به ترتیب (-۰/۵۲۴)



و (۰/۴۷۸-) و در بعد چهارم خرده مقیاس سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته (۰/۴۴۳) خرده مقیاس‌های غالب بوده‌اند و در ابعاد موردنظر تأثیر بیشتری داشته‌اند.

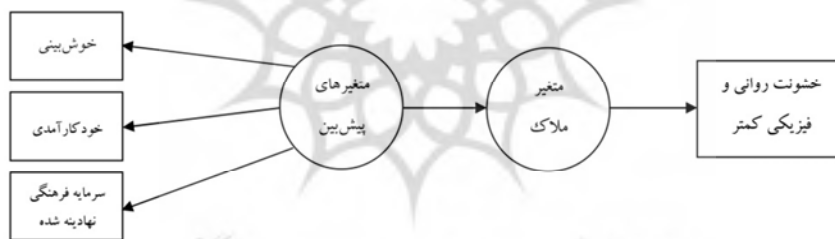
جدول ۴ ضریب‌های استاندارد شده بنیادی برای هر ۴ بعد، در مجموعه خرده مقیاس‌های متغیر ملاک را نشان می‌دهد.

جدول ۴: ضریب‌های بنیادی استاندارد شده خرده مقیاس‌های خشونت خانگی

ضرایب استاندارد				متغیرهای ملاک
بعد ۴	بعد ۳	بعد ۲	بعد ۱	
-۱/۱۲۸	-۰/۸۲۷	-۰/۵۷۴	-۰/۲۷۸	خشونت خانگی روانی
۰/۱۸۵	-۰/۶۰۶	-۰/۴۱۲	-۰/۱۲۹	خشونت خانگی فیزیکی
-۰/۶۵۰	-۱/۲۸۲	۰/۲۸۱	۰/۰۰۲	خشونت خانگی جنسی
-۰/۷۶۰	-۰/۱۵۷	-۰/۱۲۴	۰/۰۰۷	خشونت خانگی اقتصادی

برای مجموعه خرده مقیاس‌های متغیر ملاک طبق جدول ۴ در بعد اول خرده مقیاس همسر آزاری روانی (۰/۲۷۸-) نقش داشته است. بعد دوم از خرده مقیاس‌های خشونت خانگی روانی و فیزیکی به ترتیب (۰/۵۷۴-) و (۰/۴۱۲-) تأثیر پذیرفته است. در بعد سوم خرده مقیاس‌های خشونت خانگی جنسی (۱/۲۸۲-)، روانی (۰/۸۲۷-) و فیزیکی (۰/۶۰۶-) توان تعیین‌کنندگی بیشتری داشته‌اند و در بعد چهارم، خرده مقیاس‌های خشونت خانگی روانی، اقتصادی و جنسی به ترتیب (۱/۱۲۸-)، (۰/۷۶۰-) و (۰/۶۵۰-) تعیین‌کننده بوده‌اند.

اولین بعد پیشنهاد می‌کند که ترکیبی از خوش‌بینی و خود کارآمدی بیشتر با سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده بیشتر، خشونت خانگی روانی و فیزیکی کمتری را به دنبال خواهد داشت. بعد دوم نشان می‌دهد که ترکیبی از خوش‌بینی و تاب‌آوری بیشتر و سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته بیشتر، خشونت خانگی روانی و فیزیکی کمتری را به دنبال خواهد داشت. برای بعد سوم کانتی ترکیبی از خود کارآمدی بیشتر و سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و نهادینه‌شده بیشتر، خشونت خانگی جنسی و روانی کمتری را در پی دارد. در بعد چهارم ترکیبی از امید، خود کارآمدی و سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته بیشتر با خشونت خانگی روانی و اقتصادی کمتر همبستگی دارد. به‌طور مثال، شکل ۱ دو مجموعه از مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بین و ملاک را در دو بعد یا متغیر بنیادی ۱ نشان می‌دهد.



بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه تحلیل‌های همبستگی نشان می‌دهد که بین سرمایه‌های روان‌شناختی و خرده مقیاس‌های امید، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خود کارآمدی با خشونت خانگی و ابعاد مختلف آن رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد به‌خصوص دو خرده مقیاس خود کارآمدی و امیدواری، خشونت دریافت شده را در جهت منفی پیش‌بینی می‌کنند و در تحلیل‌های همبستگی بنیادی نیز دو مؤلفه کلیدی همبسته با انواع خشونت خانگی محسوب



می‌شدند. نتایج به‌دست‌آمده همسو با پژوهش‌های کاراتپه و طالب زاده (۲۰۱۶) و رابرتز و همکاران (۲۰۱۵) حاکی از اهمیت سرمایه‌های روان‌شناختی بر سلامت خانواده و روابط بین زوج‌ها است (کرامتی و سپهری شاملو، ۱۳۹۵). در تبیین این یافته و در خصوص اهمیت امید اوشی و همکاران (۲۰۱۶) بر ضرورت خلق چندین راه‌حل هنگام مواجهه با بحران‌های زناشویی تأکید داشته و معتقدند افراد امیدوار خود را برای یافتن راه‌حل‌های متناوب توانا می‌بینند. توانایی خلق راه‌حل‌های متفاوت می‌تواند منجر به ایجاد فضایی مطلوب در روابط زوجین برای حل مسئله‌شان شود و از بروز خشم در طرف مقابل جلوگیری کند چراکه بخشی از خشم موجود در تنش‌های خانوادگی ناشی از درماندگی افراد از راه‌حل‌های موجود و عدم توانایی آن‌ها برای پیدا کردن راه‌حل‌های مطلوب ناشی می‌شود.

تقدیسی و همکاران (۲۰۱۵) نیز در رابطه با اثرات خود کارآمدی بر کاهش خشونت خانگی بیان می‌دارند که خود کارآمدی می‌تواند به‌عنوان یک عامل میانجی هم در کاهش خشونت دریافت شده و هم در کاهش اثرات خشم دریافت شده اثرگذار باشد و به‌عنوان عامل مهمی در این حوزه به شمار می‌رود. درواقع سیستم خود کارآمدی در چگونگی درک ما از شرایط مختلف و چگونگی درک ما در واکنش به آن‌ها، نقش عمده‌ای ایفا می‌کند لذا می‌توان اذعان داشت که زنان دارای خود کارآمدی ضعیف به دلیل ضعف این ساختار قادر به واکنش مناسب در موقعیت تنش‌زا نبوده و راحت‌تر از سایرین زمینه را برای خشم در دیگران و قربانی شدن خود فراهم می‌کنند. زنان دارای سرمایه‌های روان‌شناختی پایین مهارت‌های حل مسأله پایین‌تر و توانایی روانی کمتری دارند و این مسأله تأثیر متقابلی بر دریافت خشونت برایشان دارد (رابرتز و همکاران، ۲۰۱۵).

نتایج تحلیل همبستگی نشان‌دهنده ارتباط منفی بین برخورداری زنان از سرمایه‌های فرهنگی و دریافت خشونت خانگی دارد و همچنین ضرایب کانی همبستگی منفی معنادار دو مؤلفه سرمایه فرهنگی (تحصیلات به‌عنوان شاخص سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده و سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته) را در کاهش خشونت خانگی دریافت شده نشان دادند که با نتایج پژوهش‌های سفیری و همکاران (۱۳۸۹)، آقاخانی و همکاران (۱۳۹۱)، کنعانی و همکاران (۱۳۹۲) و احمدی (۱۳۹۴) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان از نظریه منابع (کرامول، ۱۹۷۵، به نقل از احمدی، ۱۳۹۴) استفاده کرد. نظریه منابع با تأکید بر سه فرض عمده می‌کوشد تا به شناخت پدیده‌های اجتماعی دست یابد. ۱. هر انسانی به‌طور مستمر می‌کوشد تا نیازهایش برآورده شود و مشتاق است تا به اهدافش برسد. ۲. بسیاری از نیازهای انسان‌ها با کنش متقابل اجتماعی برآورده می‌شود و ۳. طی این کنش متقابل، مبادله دائمی منابعی انجام می‌شود که در برآورده ساختن احتیاجات فرد و دست‌یابی به اهداف نقش مؤثری را ایفا می‌کند. این نظریه بیانگر این است که در روابط زناشویی، توازن قدرت به طرف فردی است که بزرگ‌ترین و بااهمیت‌ترین منابع را در اختیار دارد. به نظر کرامول (۱۹۷۵) منابع شامل توانایی کسب درآمد، تحصیلات و منزلت شغلی است که همگی وابسته به دنیای اقتصاد بیرون خانه هستند. به دلیل وجود تغییرات در دو دهه اخیر و اشتغال و تحصیلات بالاتر زنان، تقسیم‌کار در بین زن و مرد در خانواده در حال تغییر است به این ترتیب زن و مرد در امور مالی و تصمیم‌گیری‌ها مشارکت می‌کنند و خانواده دموکراتیک‌تر می‌شود و نقش زن و مرد روزبه‌روز بیشتر به یکدیگر شباهت پیدا می‌کند. در مورد پژوهش حاضر، برخورداری زنان از سرمایه‌های فرهنگی بیشتر، در روابط با همسر به آنان اقتدار بخشیده و روابط را به سمت دموکراتیک هدایت کرده است چراکه



زنان فرهنگی شاغل دارای پایگاه فرهنگی و تحصیلات بالا بوده‌اند لذا رابطه‌ای آمرا، یک‌طرفه و نامتقارن درون خانواده سنتی را تحمل نکرده و مشارکت در همه امور مربوط به خانواده را طالب شده‌اند و برخوردار بودن از این دیدگاه باعث به چالش کشیدن روابط مردسالاری شده است.

با توجه به نتایج و یافته‌های پژوهش و نقش مهم سرمایه‌های روان‌شناختی و فرهنگی بر کاهش خشونت خانگی علیه زنان، پیشنهاد می‌شود آموزش مهارت‌های روان‌شناختی در قالب کارگاه‌ها و دوره‌های کوتاه به صورت گروهی در فرهنگسراها و مراکز بهزیستی و دوره‌های کوتاه مدت قبل از ازدواج در دستور کار قرار گیرد. با توجه به نتایج پژوهش امیدواری و خود کارآمدی از مهم‌ترین پیش‌بین‌های کاهش خشونت خانگی در نمونه زنان مورد بررسی است و داشتن یک نگرش خوش‌بینانه آن‌ها را تشویق می‌کند که ارتباطات اجتماعی بالاتری با همسر و شریک زندگی‌شان برقرار کنند و این امر نیز به نوبه خود کاهش خشونت دریافت شده را به دنبال دارد بنابراین مداخله‌هایی برای تقویت سبک توجیهی خوش‌بینانه در زنان برای جلوگیری از تقویت سبک معیوب خشونت در خانواده مفید است. پیشنهاداتی در قالب سیاست‌گذاری‌های کلان برای افزایش سطح تحصیلات زنان و آگاهی آن‌ها و همچنین زمینه‌سازی هر چه بیشتر برای ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی اقتصادی که منجر به بالا رفتن سطح امید و خودکارآمدی در آن‌ها می‌شود نیز توصیه می‌گردد؛ و آخرین و نه کم‌اهمیت‌ترین پیشنهاد محققین، ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر برای زنان به منظور توانمندسازی مالی و به تبع آن روان‌شناختی است زیرا در شهرهای کوچک همچون بهبهان هنوز این‌گونه به نظر می‌رسد که خشونت خانگی دریافت شده تا حد زیادی به وابستگی اقتصادی زن به مرد وابسته است و لذا با گام برداشتن در جهت اشتغال هر چه

بیشتر زنان می‌توان به خودآگاهی بیشتر آنان نسبت به حقوقشان و تغییر جایگاهشان در هرم قدرت خانواده امیدوار بود. از محدودیت‌های پژوهش حاضر، جمع‌آوری اطلاعات بر اساس پرسشنامه (شیوه خودگزارش دهی) بوده است که این نوع فرآیند جمع‌آوری اطلاعات ممکن است منشأ سوگیری تک‌بعدی قرار گیرد. محدودیت دیگر ماهیت مقطعی - توصیفی پژوهش انجام‌شده بود که حصول به نتایج علی‌را با دشواری مواجه می‌کند لذا تعمیم‌پذیری و اظهارنظرهای علمی در این زمینه منوط به انجام پژوهش‌های بیشتر روی نمونه‌های گسترده‌تر و مطالعه نقش متغیرهای زمینه‌ای و واسطه‌ای مرتبط است.

تشکر و قدردانی

در پایان شایسته است از تمامی خانم‌های عزیزی که ما را در اجرای این پژوهش یاری نمودند صمیمانه تشکر و قدردانی نماییم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع فارسی

۱. احمدی، عاطفه (۱۳۹۴). سرمایه فرهنگی و خشونت خانگی. چهارمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران: همایشگران مهر اشراق
<https://www.civilica.com/paper-RAFCON04-RAFCO04094.html>.
۲. جلالی، داریوش و رهبریان، جهانبخش (۱۳۸۵). خشونت علیه همسران معتادان. فصلنامه علمی پژوهش رفاه اجتماعی، ۶(۲۲): ۱۷۲-۱۴۹.
۳. درخشان پور، فیروزه، محبوبی، حمیدرضا و کشاورزی، ساحل (۱۳۹۳). شیوع خشونت خانگی علیه زنان در بندرعباس. مجله دانشگاه علوم پزشکی گرگان، ۱۶(۱): ۱۳۱-۱۲۶.
۴. ذبیحی ولی آباد، فاطمه. اکبری امرغان، حسین. خاکپور، مسعود. مهرآفرید، معصومه و کاظمی، غلامرضا. (۱۳۹۶). اثربخشی درمان شناختی رفتاری بر نستهوی و کیفیت زندگی زنان قربانی خشونت خانگی. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، ۸(۳۰): ۳۴-۱۵.
۵. سرایلو، خدیجه، میرزایی نجم آبادی، خدیجه، رنجبر، فهیمه و بهبودی مقدم، زهرا (۱۳۹۵). بررسی شیوع خشونت خانگی در زنان باردار و عوامل مرتبط با آن. نشریه پرستاری ایران، ۲۹(۱۰۴): ۳۵-۲۸.
۶. سفیری، خدیجه، آراسته، راضیه و موسوی، مرضیه (۱۳۸۹). تبیین رابطه ی میزان سرمایه فرهنگی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده. زن در توسعه و سیاست، ۸(۱): ۲۹-۷.
۷. شکر، عالیه و منادی، مرتضی (۱۳۹۲). بررسی رابطه نگرش خانواده های تهرانی مبتنی بر سرمایه‌های فرهنگی در انتخاب نوع مدرسه: دولتی و غیردولتی. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۶: ۴۲-۲۳.
۸. شمس اسفند آباد، حسن و امامی پور، سوزان (۱۳۸۳). همسر آزاری و عوامل موثر بر آن در زنان متأهل. مجله توانبخشی، ۵(۳): ۸۲-۵۹.
۹. خاقانی فرد، میترا و خسروی، زهره (۱۳۸۳). بررسی رابطه همسرآزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب‌رسانی به همسر در زنان شهر تهران. مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان، ۲(۶): ۱۱۴-۹۹.

۱۰. فیروزجاییان، علی اصغر و گرامی، فتح اله (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و منزلت اجتماعی دبیران (مطالعه موردی: دبیران مدارس متوسطه شهر خلیخال). مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۱(۲): ۱۰۵-۱۲۰.
۱۱. سپهری شاملو، زهره و کرامتی، راضیه (۱۳۹۵). رابطه سرمایه‌های روان‌شناختی و الگوهای ارتباطی با خشونت خانگی در زنان متأهل در سال ۱۳۹۵. مجله روانشناسی اجتماعی، ۲(۴۱): ۸۹-۱۰۰.
۱۲. کنعانی، محمد امین. عزیزخانی، اقباله و کلاتتری، حوریه (۱۳۹۲). انواع سرمایه و رابطه آن با خشونت خانگی علیه زنان. مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۰(۴): ۱۰۴-۸۸.
۱۳. مفردزاد، ناهید (۱۳۹۳). مقایسه ناگویی هیجانی، سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دبیرستانی خانواده های طلاق و عادی با کنترل وضعیت اجتماعی-اقتصادی. مجله اندیشه های نوین تربیتی، ۱۰(۲): ۱۳۹-۱۱۹.
۱۴. منادی، مرتضی (۱۳۸۶). سرمایه‌های فرهنگی و فضای فرهنگی خانواده ها. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۲(۵): ۴۲-۱۸.
۱۵. منادی، مرتضی (۱۳۸۵). جامعه شناسی خانواده، تحلیل روزمرگی و فضای درون خانواده. تهران: نشر دانژه
۱۶. نوح جاه، صدیقه، لطیفی، سید محمود، حقیقی، مریم، اعتصام، حمیده، فتح الهی فر، افسانه، زمان، ندا و ... (۱۳۹۰). شیوع خشونت خانگی علیه زنان و برخی عوامل مرتبط با آن در استان خوزستان. مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ۱۵(۴): ۲۷۸-۲۸۶.

منابع انگلیسی

1. Aghakhani, N., Zareei, A., Eghtedar, S., Eftekhari, A., Mosavi, E., Mesgarzadeh, M., ... & Rahbar, N. (2014). A study on the domestic violence in women with addicted and non-addicted husband referred to Forensic center of Urmia, Iran. *The Journal of Urmia Nursing and Midwifery Faculty*, 11(11), 907-917.
2. Allen, V. D., & Solomon, P. (2012). Educational-entertainment as an intervention with black adolescents exposed to community violence.



- Journal of prevention & intervention in the *community*, 40(4), 313-324.
3. Chang, H. Y., Lin, C. Y., & Liu, S. Y. (2017). Three-tier five-level preventive strategy for domestic violence and sexual violence prevention in Taiwan. *Journal of the Formosan Medical Association*. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jfma.2017.08.007>.
 4. Coker, A. L., Davis, K. E., & Arias, I. (2004). Physical and Mental Health Effects of Intimate Partner Violence for Men and Women. *Year Book of Psychiatry & Applied Mental Health*, 2004(1), 152-153.
 5. Derakhshanpour, F., Mahboobi, H. R. & Keshavarzi, s. (2014). Prevalence of domestic violence against women. *Journal of Gorgan University of Medical Sciences*, 16(1): 126-131. (text in persian)
 6. Firooz Jaeeyan, A & Gerami, F. (2014). Investigating the Relationship between Cultural Capital and Social Status of Secretaries (Case Study: Secondary School Secretaries of Khalkhal). *Iranian Journal of Social Science studies*, 11(2). 105-120. (text in persian)
 7. Jalali, D., Rabarian, J. (2006). The violence and some factors connected among addicted wives. *Social Welfare*, 6(22), 149-172. (text in persian)
 8. Kanaani, M.A., Aziz Khani, E & Kalantari, H. (2013). Kinds of capital (economical, social and cultural) and their relations with domestic violence against women, *Iranian Journal of Social Science studies*, 11(4). 88-104. (text in persian)
 9. Karatepe, O. M., & Talebzadeh, N. (2016). An empirical investigation of psychological capital among flight attendants. *Journal of Air Transport Management*, 55, 193-202.
 10. Khan, N., Kausar, R., Flach, C., & Howard, L. (2012). Psychological and gynecological morbidity in women presenting with vaginal discharge in Pakistan. *International Journal of Culture and Mental Health*, 5(3), 169-181.
 11. Khosravi, Z., Khaghani Fard, M. (2004). Spouse Annoying Sadism with Tendency to Suicide and Feeling of Hurting Spouse in Women

- of Tehran. *Quarterly Journal of Womens Studies Sociological and Psychological*, 2(6), 99-113. (text in persian)
12. Laeheem, K. (2016). Factors affecting domestic violence risk behaviors among Thai Muslim married couples in Satun province. *Kasetsart journal of social sciences*, 37(3), 182-189.
 13. Luthans, F., & Youssef-Morgan, C. M. (2017). Psychological Capital: An Evidence-Based Positive Approach. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*, 4, 339-366.
 14. Luthans, F., Youssef, C. M., & Avolio, B. J. (2007). *Psychological capital: Developing the human competitive edge* (p. 3). Oxford: Oxford University Press.
 15. Mofradnejad, N (2014). The comparison of Alexithymia, mental health and academic performance of female students in divorced and non divorced families, controlling the effect of socio-economic status. *Quarterly Journal of New Thoughts on Education*, 10(2), 120-140. (text in persian)
 16. Monadi, M. (2007). Cultural capital and cultural space of families. *Quarterly Journal of Family and Research*, 2(5), 18-42. (text in persian)
 17. Monadi, M. (2006). *Family Sociology*. Danjeh Publication. Tehran.
 18. O'Shea, M. T., Collins, C., Ailis, N. R., & Daly, M. D. (2016). *Domestic Violence During Pregnancy: GP Survey Report*.
 19. Odujinrin, O. (2013). Wife battering in Nigeria. *International Journal of Gynecology & Obstetrics*, 41(2), 159-164.
 20. Oram S, Trevillion K, Feder G, Howard M. Prevalence of experiences of domestic violence among psychiatric patients: systematic review. *Bri J of Psychi*. 2013(202); 94-99.
 21. Rasoulia, M., Habib, S., Bolhari, J., Hakim Shooshtari, M., Nojomi, M., & Abedi, S. (2014). Risk factors of domestic violence in Iran. *Journal of environmental and public health*, 2014, 1-9.
 22. Roberts, D., Chamberlain, P., & Delfabbro, P. (2015). Women's experiences of the processes associated with the family court of



- Australia in the context of domestic violence: A thematic analysis. *Psychiatry, Psychology and Law*, 22(4), 599-615.
23. Safari, KH., Arasteh, R., Mousavi, M. (2010). A study on the relationship between women's cultural capital and their relationship with their Husband (case study: Tehran, Iran). *Women in Development and Politics*, 8(1), 7-29. (text in persian)
24. Sarayloo, KH., Mirzaei Najmabadi, KH. Ranjbar, F & Behboodi Moghadam, Z. (2017). Prevalence and risk factors for domestic violence against pregnant women. *Iran Journal of Nursing*, 29(104), 28-35. (text in persian)
25. Sepehri Shamloo, Z & Keramati, R. (2016). The relationship between psychological capital and communicational patterns with domestic violence. *Journal of Social Psychology*, 2(41). 89-100. (text in persian)
26. Shams-Esfandabad, H., Emami-Pour, S & Sadrosadat, J. (2004). Wife abuse and its affecting factors among the married women. *Journal of Rehabilitation*, 5(3). 59-82. (text in persian)
27. Shokri, A & Monadi, M. (2012). Private and public schools choice in Tehran: The role of family attitude and cultural capital. *Quarterly Journal of Family and Research*, 9(3), 23-42. (text in persian)
28. Taghdisi, M. H., Latifi, M., Afkari, M. E., Dastoorpour, M., Estebarsari, F., & Jamalzadeh, F. (2015). The impact of educational intervention to increase self efficacy and awareness for the prevention of domestic violence against women. *Iranian Journal of Health Education & Promotion*, 3(1), 32.
29. Walumbwa, F. O., Luthans, F., Avey, J. B., & Oke, A. (2011). Retracted: Authentically leading groups: The mediating role of collective psychological capital and trust. *Journal of organizational behavior*, 32(1), 4-24.
30. Williamson, H. C., Altman, N., Hsueh, J., & Bradbury, T. N. (2016). Effects of relationship education on couple communication and satisfaction: A randomized controlled trial with low-income couples. *Journal of consulting and clinical psychology*, 84(2), 156.

31. World Health Organization. (2016). Violence and Health. Center for Global Nonkilling; 9-79
32. Zabihivalad Abad, F., Akbari Amarghan, H., Khakpour. M., Meherafarid. M & Kazemi, GH. (2017). The effects of group cognitive behavioral therapy on hardiness among female victims of domestic violence. *Quarterly Journal of Women & society*, 8(30). 15-34. (text in persian)





The relationship of psychological capital and cultural capital with domestic violence in married women

Nahid Mofradnejad^{1*}

Morteza Monadi²

Abstract

The purpose of present study was to examine The relationship between psychological capital and cultural capital with domestic violence in married women. In this cross-sectional study, 156 married women of Behbahan city were enrolled using simple random sampling. They completed Psychological Capital Questionnaire (PCQ), Cultural Capital Questionnaire (CCQ) and Spouse Abuse Questionnaire (SAQ). Data were analyzed using Pearson and Canonical Correlation. Results indicated that components of psychological capital and cultural capital were negative predictors of domestic violence in married women. Connie's correlation analysis showed that four fundamental variables are needed to understand the relationships between the set of criterion and predicate variables. Fundamental coefficients for the first four dimension were 0.87, 0.64, 0.58 and 0.31 ($p < 0.005$). The lack of psychological capital and cultural capital are associated with the increased domestic violence in women. So, training programs for improving these skills in the married women are recommended.

Keywords: Psychological Capital, Cultural capital, Domestic Violence, Married Women

¹-Corresponding author: PhD Student, Department of Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. (E mail: nmofradnejad@gmail.com)

²- Associate Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. (E mail: Mortezamonadi@gmail.com)